

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۱۴ می ۲۰۲۲

پرخاشگری و جنگ‌جویی پرویز پرستویی در سینما و دنیای واقعی!

حضور هنرمندان ایرانی در برنامه نمایش فلم حبیب احمدزاده از کارگردانان حکومتی و رانتی به اصطلاح «دفاع مقدس» تبدیل به یک موضوع مهم رسانه‌ای شده و افکار عمومی ایرانیان داخل و خارج کشور را تحت تاثیر قرار داده است.

تحلیل‌گران و رسانه‌ها از این هنرمندان به درستی می‌پرسند چرا در برنامه نمایش فلمی شرکت کردید که با هزینه رانتی حکومت اسلامی حمایت و ساخته شده و برگزارکننده آن نمایش نیز «نایاک» از لابی‌های آلوده به حکومت اسلامی است.

تلاش دایمی نایاک در امریکا شستن سیمای کریه و نفرت‌انگیز حکومت اسلامی در خارج از کشور به ویژه در امریکا است.

خانم خیراندیش به مخالفان حکومت اسلامی درس دموکراسی یاد می‌دهد اما باید به پرویز پرستویی و خانم گوهر خیراندیش گفت که معنای ابتدائی و عام دموکراسی یعنی ایستادن در صف و در صف مردم است نه در صف و کنار حکومتی که کسب و کارش دایمی‌اش سانسور و سرکوب، زندان و شکنجه و اعدام، تهدید و ترور و همچنین زن‌ستیزی و آزادی‌ستیزی است.

باید به این هنرمندان و البته به آقای اسفندیار منفردزاده هم باید گفت که ای کاش خودتان را در روابط «نایاک» این لابی حکومت اسلامی و ماجرای پرستویی دخیل نمی‌کردید.

البته ناگفته نماند که برخی از منتقدین پرستویی و غیره نیز چندان از فرهنگ متمدنانه و انسانی برخوردار نیستند و به همین دلیل اعتبار چندان هم در صفوف اپوزیسیون جدی حکومت اسلامی ندارند.

جایگاه و اعتبار هنرمند و نویسنده و فعال سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و هنری زمانی برجسته‌تر می‌شود که هنرش و کلیه تولیداتش در خدمت مردم و دفاع از حقوق مردم و آزادی و برابری و عدالت قرار گیرد و بر علیه حاکمیت فاشیستی و سرکوبگر همچون حکومت اسلامی ایران باشد. در ایران و لابی‌ها آن در خارج کشور، هر کدام از هنرمندان و شخصیت‌ها و افراد دیگری به حاکمیت اسلامی و لابی‌های آن نزدیک شود اصولاً از سوی مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جو طرد می‌گردد و منزوی می‌شود. به عبارت دیگر هنرمندانی که در کتاب حکومت اسلامی و لابی‌های آن قرار گیرند دیگر هنرمند حکومتی هستند و نه هنرمند مردمی!

جمهوری اسلامی از بدو تولد هیولائی‌اش از جمله سینما را در راستای آیدیولوژی و اهداف و سیاست هایش به کار گرفته، هر جشنواره‌اش تبدیل شده است به رانت‌خواری جمعی از وابستگان مافیای حکومتی، همچون جشنواره قرآن، نماز، پولیس، جشنواره نواندیشی دینی، جشنواره‌های سینمای مستند «جنگ مقدس»، سیمانی ارزشی، جشن خانه سینما، جشنواره سینمای جوان، جشنواره دریائی، جشنواره فلم مولانا، جشنواره بین المللی عفاف و... نهایتاً جشنواره سینمایی فجر است که به معنای واقعی و پترین تبلیغاتی حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران است. این جشنواره بی‌خاصیت و بی‌هنر و به طور کلی ضد‌هنر، هر سال با بودجه عظیمی برگزار می‌شود.



ماجرای آنجا آغاز شد که در یک مراسم پخش فلم در بورلی‌هیلز لس‌آنجلس، یکی از ایرانیان حاضر در مراسم از پرویز پرستویی و سایر هنرمندان پرسید: «کی قرار است صدای جان‌باختگان آبان باشید؟» پرستویی که برای نمایش فلمی به امریکا سفر کرده بود، از پاسخ به این سوال طفره رفت و در نهایت با گفتن این که «امیدوارم در هیچ‌جای جهان قطره خونی ریخته نشود» موضوع صحبت را تغییر داد.

در داخل سالن نیز یکی از حاضران خطاب به پرویز پرستویی این پرسش را مطرح کرد که چرا او نسبت به مردم غزه و لبنان و فلسطین و حتی فاجعه هیروشیما صحبت می‌کند اما در مورد آبان ۹۸ و کشتار گسترده مردم ایران سکوت کرده و می‌کند.

پرویز پرستویی در برابر این پرسش سکوت کرد.

پیش‌تر نیز خانم محبوبه رمضانی مادر پژمان قلی‌پور (جوان ۱۸ ساله و از جان‌باختگان آبان ۱۳۹۸) پرویز پرستویی را خطاب قرار داده بود و از او همین سوال را پرسیده بود اما در آن هنگام نیز که تنها چند ماه از آبان ۹۸ می‌گذشت پرستویی واکنشی نشان نداده بود.

شایان ذکر است پرویز پرستویی که در چهار دهه گذشته همواره در سینما حضور فعالی داشته در فلم‌ها و نقش‌هایی بازی کرده که حکومت اسلامی آن را سینمای «ارزشی» نام نهاده است.

پرستویی در فلمی که از زندگی سردسته تروریست‌های حکومت اسلامی، یعنی قاسم سلیمانی ساخته شده بود نقش قاسم سلیمانی را ایفا کرد و در اکران فلم که خود سلیمانی نیز حضور داشت در کنار او نشست و سپس در مصاحبه‌ای گفت که به باور او قاسم سلیمانی یک فرد عادی نیست و او یک شخصیت آسمانی است.

رفته‌رفته حاشیه‌های حضور پرویز پرستویی در امریکا، در داخل ایران نیز بازتاب پیدا کرد. روزنامه جوان، وابسته به سپاه پاسداران، در گزارشی که روز شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱، منتشر کرده، با دفاع از حمله فیزیکی پرویز پرستویی به پرسش‌کننده، نوشته است پرویز پرستویی وقتی دید فرد سوال‌کننده معنای «به تو ربطی ندارد» را در پاسخ به سوالی

در خصوص ارتباطش با حاج قاسم قاسم سلیمانی سردهسته سابق تروریست‌های حکومت اسلامی» نمی‌فهمد، با ضربه‌ای برای انداختن دوربین روشنش پاسخ می‌دهد.»

روزنامه جوان همچنین از پرویز پرستویی به‌عنوان «بادیگارد باغیرت» نام برده و از پولیس امنیت امریکا خواسته است که با افرادی چون سام رجبی برخورد کنند.

حضور پرویز پرستویی، بازیگر ایرانی طرفدار حکومت اسلامی به ویژه سرداران سپاه پاسداران و در راس همه سردهسته تروریست‌های حکومتی قاسم سلیمانی، برای اکران فلم «قصه‌های هزار و یک روز» در شهرهای مختلف امریکا در رسانه‌ها خارجی و داخلی فارسی‌زبان وسیعاً انعکاس پیدا کرده است.

در جریان حضور پرستویی، برخی منتقدان عملکرد او از جمله سام رجبی، قهرمان جودو که در امریکا زندگی می‌کند، از او چندین بار درباره علت حمایت و روابطش با قاسم سلیمانی، فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه، سؤال کردند که در مواجهه رودروی این دو نفر که در سالی در شهر آنهایم امریکا رخ داد، پرستویی به سام رجبی گفت که «به تو ربطی ندارد» و در ادامه با حمله فیزیکی به وی، گوشی سام رجبی را پرت کرد.

این ماجرا سبب حضور پولیس امریکا در محل اکران فلم شد و بازتاب‌های فراوانی در شبکه‌های اجتماعی داشت. منتقدان می‌گویند پرستویی باید به‌خاطر حمایت از قاسم سلیمانی که به تعبیر آنها «قاتل» و «تروریست» بوده، «شرمسار» باشد و هدف مطرح کردن این مسأله در چنین تجمعاتی را «ایجاد شرمساری» در میان موافقان حکومت ایران می‌دانند.

پرویز پرستویی در یک ویدئوی چهار دقیقه‌ای که روز شنبه دهم اردیبهشت ۱۴۰۱ در حساب اینستاگرامش منتشر کرده است نیز بدون هیچ اشاره‌ای به نام قاسم سلیمانی، می‌گوید سؤالی که از او پرسیده‌اند، نیاز به «توضیح زیادی» دارد و شاید لازم نباشد که «جواب این سؤال را بدهم».

پرستویی در ادامه می‌گوید که به دعوت گروه «کد پینک» به امریکا رفته و قصد فعالیت‌های صلح‌طلبانه دارد ولی مخالفان با تجمع و ممانعت از ورود افراد به سینما در دو شهر، آرامش را بر هم زده‌اند و «فحش‌های ناموسی» داده‌اند. گروه «کد پینک» که فعالیت‌های خود را در راستای «صلح» عنوان می‌کند، سابقه سفر به ایران و دیدار با مقام‌های دولت اسلامی ایران دارد و با برخی سیاست‌های دولت امریکا در زمینه برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌ها مخالف است. پیش از این واقعه نیز در جریان میزگرد پایانی این فلم در شهر لس‌آنجلس، علی ابراهیمزاده، یکی از منتقدان پرویز پرستویی، پرسید چه زمانی «قرار است صدای مادران آبان باشد».

او همچنین به «محبوبه رمضانی» اشاره کرد که در جریان اعتراض‌های آبان ۱۳۹۸ فرزندش توسط مأموران امنیتی حکومت اسلامی کشته شد، گفت محبوبه رمضانی در یک نشست مجازی پرسیده است که «آقای پرستویی از بچه‌های فلسطین و بچه‌های غزه می‌گویند، ولی یک بار نشد که صدای بچه‌های آبان باشد».

سؤالات او با تشویق برخی حاضران همراه شد ولی در نهایت ابراهیمزاده گفت که او را از سالن اخراج کردند. پرویز پرستویی در پاسخ به سؤال ابراهیمزاده با تأکید بر این‌که به روش خودش مبارزه می‌کند، گفت «شما در ایران زندگی نمی‌کنید. من هم در ایران کم مصیبت نکشیدم».

در واقع نمایش فلم «افسانه بناسان» یا «داستان‌های هزار و یک روز» در جنوب کالیفرنیا در امریکا، قرار بود نمایش ساده از فلمی نه چندان مطرح در سینمای ایران باشد. اما در حاشیه آن اتفاقات و درگیری‌هایی رخ داد که آن را به سرخط خبرها رساند.

کارگردان فلم «افسانه بناسان، غول چراغ جادو» حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان حکومتی و جنگ ایران و عراق، است که فلم را برای قدردانی از شیسکو تسویا، زنی ژاپنی، ساخته که به درمان سربازان ایرانی شیمیائی شده در جنگ ایران و عراق، کمک کرده است.

پرویز پرستویی چهره اصلی این فلم است. او برای شرکت در مراسم نمایش فلم و پرسش و پاسخ با تماشاگران به همراه شماری دیگر از دست‌اندرکاران فلم به امریکا سفر کرده و در چند شب گذشته هدف اصلی انتقادها بوده است. اعتراض شماری از مخالفان حکومت اسلامی ایران برای «شرم‌سار کردن» شرکت‌کنندگان، از یک سو چهره واقعی رستویی را در دفاع از قاسم سلیمانی به نمایش گذاشت و از سوی دیگر باعث جنجالی شدن نمایش این فلم شد.

در این میان سخنان گوهرخیراندیش، هنرپیشه سرشناس سینمای ایران، هم در این مراسم با واکنش‌هایی روبه‌رو شد. شماری از مخالفان حکومت اسلامی، در میزگرد پایانی فلم و همین‌طور در بیرون ساختمانی که فلم نمایش داده شد، از پرویز پرستویی پرسیدند که چرا با وجود فعالیت‌های خیرخواهانه خود، درباره نقض حقوق بشر در ایران و مخصوصاً «کشتار معترضان در آبان ۱۳۹۸» سکوت کرده است.

یکی از معترضان به نقل از محبوبه رضائی، مادر یکی از کشته‌شدگان آبان ۱۳۹۸، خطاب به پرستویی گفت که در جلسه‌ای در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس مادر پژمان قل‌پور از آقای پرستویی نام برده و گفته چرا هنرمندان شناخته شده ایران در مقابل این اتفاقات سکوت کرده‌اند.

پرویز پرستویی، در پاسخ به این منتقد ادعا کرد: «طول مبارزه برای من مهم است و عرض آن مهم نیست. می‌خواهید من برم بمیرم؟... شما در ایران زندگی نمی‌کنید. من در همین ایران کم مصیبت نکشیدم...» این بازیگر معروف در پاسخ به این منتقد که می‌گفت چرا با قاسم سلیمانی، فرمانده پیشین نیروی قدس عکس گرفته است، پاسخ داد «این نظر شماست» و سپس گفت امیدوار است «در هیچ جای جهان قطره خونی ریخته نشود».

در این میان به همراه عدم جواب دادن پرستویی به یک سؤال مشخص و ساده موضع خانم خیراندیش نیز بسیار جالب است.

فلم دیگری از داخل سالن منتشر شده که در آن گوهر خیراندیش، بازیگر ایرانی، با انتقاد از مخالفان حکومت اسلامی که در سالن هستند، می‌گوید از قدیم مادر و خاله‌ها و اقوام برنامه روضه برگزار می‌کردند و خدا و پیغمبر را هم قبول داشتند و هم‌زمان به عقاید هم احترام می‌گذاشتند: «ما نمی‌توانیم در جایی زندگی کنیم که معنی دموکراسی را به ما نشان می‌دهند، حالا امریکائی ایرانی یا هر که، (و به عقاید هم احترام نگذاریم) بیائیم یاد بگیریم که به عقیده آدم‌ها احترام بگذاریم».

می‌بینیم که خیراندیش هم کشتار ۱۵۰۰ تن از معترضان در سال ۹۸ توسط حکومت اسلامی را با «احترام به عقاید هم» توجیه می‌کند.

اما انتقادها به جلسه پرسش و پاسخ محدود نماند. در بیرون از ساختمان هم شماری از مخالفان حکومت اسلامی و در این‌جا سام رجبی، باز به پرسش از شرکت‌کنندگان و فلم گرفتن از آن‌ها ادامه دادند. حتی شماری از شرکت‌کنندگان معمولی که چهره‌های شناخته شده نیستند، به خاطر شرکت در نمایش فلم، هدف انتقاد قرار گرفتند.

در تصاویری که مخالفان حکومت اسلامی ایران منتشر کرده‌اند، اسفندیار منفردزاده، آهنگ‌ساز شناخته شده، دیده می‌شود که مخالفان او را دوره کرده و با دوربین دنبالش هستند و منفردزاده به انگلیسی به آن‌ها می‌گوید: «شرم بر شما باد»!!

جمعه شب در شهر آناهیم تصویر دیگری جنجالی شد که سام رجبی همزمان مشغول فلم گرفتن از پرستویی است که ناگهان پرستویی عصبانی می‌شود، به او حمله می‌کند و گوشی او را زمین می‌کوبد.

آن‌طور که ویدئوهای سام رجبی در توئیتر نشان می‌دهد، پای پولیس هم به میان آمده است. رجبی می‌گوید به پولیس زنگ زده و از برخورد فیزیکی شکایت کرده است. اما گزارشی از بازداشت کسی در دست نیست.

حساب کاربری به نام «حاج حیدر» نزدیک به نیروهای امنیتی ایران با بیش از ۱۱۹ هزار فالوئر دارد با تحسین خشونت و مشت پرویز پرستویی چنین نوشته است: «زد تو گوش یه غول بیابونی(اشاره به فلم مارمولک)، زد تو گوش یه غول بیابونی(فلم بادیکارد) و زد تو گوش یه غول بیابونی(سام رجبی).

واقعیت ماجرا این است که بسیاری از مخالفین حکومت اسلامی ایران به درستی حبیب احمدزاده و پرویز پرستویی را سفیران فرهنگی حکومت اسلامی می‌دانند. چرا که اغلب فلم‌ها و مواضع آن‌ها نه تنها مبلغ و مروج ایدئولوژی و سیاست‌ها و اعمال جنایتکارانه حکومت اسلامی است بلکه آن‌ها رسماً و علناً در پاسداری معروفی به‌نام قاسم سلیمانی که فرمانده سپاه قدس بود و در عراق کشته شد کسب و کار دایمی‌اش راه‌انداختن جنگ‌های نیابتی حکومت‌شان در سوریه و عراق و لبنان و افغانستان و یمن و... کشتار معترضین در خیابان‌های شهرهای ایران و ترور مخالفین در کشورهای مختلف جهان و قاچاق مواد مخدر و سلاح و غیره بوده است. حبیب احمدزاده که فلم او در این امریکا نمایش داده شده به اصطلاح «رزمنده دفاع مقدس» است، یعنی تبلیغ جنگ و سپاه جنگ‌طلب حکومت اسلامی.

پرویز پرستویی هم بازیگری با چهار دهه فعالیت در همین حوزه «دفاع مقدس» است و برای فرماندهان سپاه پاسداران این بدنام‌ترین نیروی تروریستی جهان سینه چاک می‌کند.

قاسم سلیمانی در طول دهه‌های گذشته اگر عنصری مهم برای حکومت اسلامی بوده اما در مقابل از سوی مردم و به ویژه اپوزیسیون چهره‌ای منفور و آدمکش بوده است اتفاقاً عجیب نیست که سام رجبی و هر پرسشگر دیگری از پرویز پرستویی درباره دوستیش با سلیمانی بکند اما پرستویی به جای پاسخ منطقی به این سؤال، واکنشی تند و خشونت‌طلبانه همچون مأموران حکومت اسلامی به این پرسشگر نشان می‌دهد که در شان انسانی نیست! همین عمل زشت پرستویی نشان می‌دهد که تا چه اندازه در لجن حکومت اسلامی به ویژه قاسم سلیمانی فر رفته است و هر سوالی در این مورد او را آن‌چنان خشمگین می‌کند که با پرخاشگری دست به حمله فیزیکی می‌زند.

این اقدام پرستویی و برخی همراهانش نشان‌دهنده این واقعیت است که تا خرخره آلوده جنایت‌های حکومت اسلامی هستند چرا که آن‌ها از رانت‌های اقتصادی هم سهم می‌برند. حساب هنرمندان مستقل و مردمی از این قبیل هنرمندان جداسست و این‌ها راهی را انتخاب کرده‌اند که نفع خود را حکومت اسلامی و ماندن آن می‌بینند و به همین دلیل همه جا از آن دفاع می‌کنند حتی اگر دفاع‌شان شرمگینانه هم باشد.

پرویز پرستویی درباره فلم سینمایی «بادیکارد» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا درباره شخصیت «حاج حیدر» گفت: «سردار سلیمانی وقتی تصویر روی پوستر فلم را دید گفت این که منم.»

به گزارش خبرگزاری مهر ۲ خرداد ۱۳۹۹، پرویز پرستویی بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون، درباره فلم «بادیکارد» و تشابه شخصیت حاج حیدر با سردار قاسم سلیمانی گفت: قبل از این‌که ایشان برای دیدن فلم بیاید، این اتفاق در جامعه افتاده بود که فکر می‌کردند کاراکتر فلم «بادیکارد» تشابهاتی با حاج قاسم سلیمانی دارد. این تصادفی بود و قرار نبود این شباهت وجود داشته باشد اما بعد صورت و محاسن باعث شد.

این شباهت وجود داشته باشد تا جایی که روزی که می‌خواستند فلم «بادیکارد» را ببینند، سردار فدوی و سردار سلیمانی بودند و من هم رفتم. وقتی حاج قاسم رسید و از راهرو به سمت سالن سینما حرکت کرد، پوستر فلم را که دید، گفت

این‌که من هستم! خیلی برای او جالب بود که این شباهت در واقع چطور رخ داده است. ولی تا آنجائی که من در خاطر ام است، تعمدی در این کار نبود.

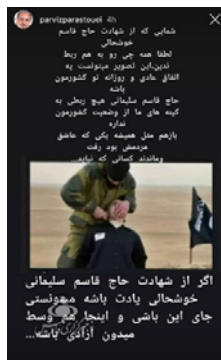
پرستوئی در ادامه درباره واکنش حاج قاسم سلیمانی بعد از دیدن فلم «بادیگارد» توضیح داد: ۲ ساعته راجع به فلم صحبت کرد. فلم را خیلی دوست داشت. همیشه اعتقادم بر این است که می‌گویم وقتی در فلمی بازی می‌کنم اول باید یک جمله من اضافه کند. من اول با خودم کار دارم. در صورتی می‌توانیم برای مردم کار کنیم که اول از خودمان شروع کنیم. باید این اتفاق در من بیفتد و قطعاً جواب می‌دهد. همیشه اعتقاد دارم یک جمله کلیدی هست و باقی تزئینات و برای جلوه هستند.

او که شب گذشته پنج‌شنبه اول خردادماه مهمان حجت الاسلام زائری و محمدرضا حسینیان در برنامه اینترنتی «باغ رمضان» بود، در ادامه گفت‌وگوی خود گفت: من با افتخار خودم را یک روستازاده می‌بینم. خوشا به حال روستاهائی که به اینترنت مجهز هستند...

به‌گزارش خبرنگار رادیو و تلویزیون خبرگزاری فارس، در پی شهادت سردار سرافراز سپاه اسلام سردار «حاج قاسم سلیمانی»، «پرویز پرستوئی» بازیگر سینما و تلویزیون نیز با گذاشتن عکسی از صحنه جدا کردن سر یک رزمنده از بدنش توسط داعش در صفحه شخصی خود نوشت:

شمائی که از شهادت حاج قاسم سلیمانی خوشحالی لطفاً همه چی رو به هم ربط ندین. این تصویر می‌تونست به اتفاق عادی و روزانه تو کشورمون باشه. حاج قاسم سلیمانی هیچ ربطی به کینه‌های ما از وضعیت کشورمون نداره. باز هم مثل همیشه یکی که عاشق مردمش بود، رفت و ماندند کسانی که نباید.

اگر از شهادت حاج قاسم سلیمانی خوشحالی یادت باشه می‌تونستی جای این باشی و این‌جا هم وسط میدون آزادی باشه.



ابراهیم حاتمی کیا کارگردانی است که همه اهالی سینما با آمدن نام او به یاد ژانر دفاع مقدس می‌افتند. حاتمی کیا هر بار که به جشنواره فلم فجر آمده دست پر برگشته است.

حاتمی که به‌عنوان یکی از فلمسازان ژانر دفاع مقدس فعالیت دارد با توجه به شباهت گریم پرویز پرستوئی به سردار قاسم سلیمانی در این فلم در اینستاگرام خود نوشت:

«به عشق سردار قاسم سلیمانی، پرویز پرستوئی را شبیه او گریم کردم.»

ترکیب و رنگ موها و محاسن و آن انگشتر عقیق در دست پرویز پرستوئی، بر این شباهت ظاهری تاکید می‌کرد و یادآور قاسم سلیمانی بود.

علاقه شدید ابراهیم حاتمی‌کیا و همچنین پرویز پرستوئی، نویسنده و کارگردان و هنرپیشه اول به قاسم سلیمانی در بادیگارد به شکل پررنگی نمایان است. اعلام شده بود که این فلمساز، قصد و دوست داشت فلمی درباره حاج قاسم

بسازد و حتی در دیداری که با خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی داشت، به این موضوع اشاره کرده و گفته بود: خیلی دوست دارم فلم زندگی حاج قاسم را بسازم، اما ایشان به هیچ عنوان راضی نمی‌شود. آن‌طور که محمد خزاعی، تهیه‌کننده سینما در گفت‌وگویی اشاره کرده، خامنه‌ای هم در جواب گفتند: ایشان خیلی مشغله دارند و شاید دلیلش همین است، شما قدری صبر کن! نهایتاً بعد از این تعارفات شناخته شده خلق شخصیت حاج حیدر ذبیحی، یکی از فرصت‌های سینمایی برای ابراز ارادت و ادای دین حاتمی کیا و پرستویی به حاج قاسم (قاسم سلیمانی) بود.

مهم‌ترین برگ برنده حاتمی کیا و پرستویی مهمانی شام سلیمانی بعد از نمایش شام بود. قاسم سلیمانی پس از تماشای فلم با ضور و شعف به تعریف و تمجید از حاتمی کیا و پرستویی و گروه سازنده به وقت شام پرداخت و اشاره کرد فلم در برخی ابعاد، صد در صد به واقعیت نزدیک است. حاتمی کیا نیز به وقت شام هم فرصت دیگری مئیابد تا به سهم خود، بار دیگر ادارت خود را به قاسم سلیمانی نشان دهد ضمن اشاره به جنایت‌های داعش و گروه‌های تکفیری، به «مجاهدت‌ها، رشادت‌ها و فداکاری‌های» مدافعان حرم و رزمنده‌های جریان «مقاومت» می‌پردازد.

رضا کیانیان هنرپیشه دیگری از سینمای حکومت اسلامی ایران است که در سنین جوانی سال‌ها درس طلبگی را در حوزه مشهد نزد آخوند ابطی، هاشمی‌نژاد و خامنه‌ای خوانده بود. پس از آن وارد سازمان پیکار شده بود، در سال‌های سرکوب که مسؤول شاخه خراسان این سازمان بود اعلان توابی کرد، پس از آن بود که شاخه خراسان این سازمان توسط سپاه متلاشی گردید.

او که در سایه حمایت از حکومت توانسته است «نشان‌ها» و «افتخارات» فراوانی کسب کند، اکنون در دفاع از پرویز پرستویی هرچه بیش‌تر ماهیت واقعی خود را در دفاع از حکومت جهل و جنایت اسلامی اسلامی نشان داده و خطاب به سام رجبی و سایر پرش‌گران از پرویز پرستویی چنین حکم صادر کرده است:

«اگر به دموکراسی معتقدید. اجازه دهید هر کس عقیده خودش را داشته باشد. بازجویی نکنید. و اگر از کسی پرسشی دارید و طرف نمی‌خواهد جواب دهد، به عقاید او احترام بگذارید. در ویدیو شما به عقاید آقای پرستویی احترام نمی‌گذارید. به آقای پرویز پرستویی هر عقیده‌ای دارد، باید احترام بگذارید.»

همان‌طور که اشاره شد پرستویی و همراهانش به دعوت گروه «کد پینک» برای اکران فلم وارد خاک همان کشوری شدند که با ارزش‌های انقلابی‌شان در تضاد است. کد پینک که گفته می‌شود یک سازمان مردم‌نهاد فعال در سطح بین‌المللی است، خود را گروهی ضدجنگ و صلح‌طلب معرفی می‌کند و به مسایلی چون توافق هسته‌ای ایران نیز می‌پردازد. این گروه به ارتباط نزدیک با «شورای ایرانی-امریکائی (نایاک)» لابی حکومت اسلامی در امریکا شهرت دارد.

این دعوت «کد پینک» حالا حاشیه‌ساز شده و اعتراض مقام‌های امریکائی را نیز برانگیخته است. پس از بازتاب گسترده برخورد پرویز پرستویی با پرش‌گران و مخالفان حکومت اسلامی، گابریل نوروها، مشاور پیشین امور ایران در وزارت خارجه امریکا، نیز در رشته توثیتی نوشت: «سؤال من این است که چرا به پرویز پرستویی به عنوان یکی از حامیان قاسم سلیمانی ویزا داده شده است؟ او در حین شرکت در مراسم کد پینک به یک فعال حقوق بشر ایرانی - امریکائی در لس‌آنجلس حمله کرد. پرستویی بازیگر سرشناس ایرانی است که بارها امریکا را محکوم کرده است. او در این فلم در کنار قاسم سلیمانی نشسته و از او تقدیر کرده است.»

پس از او، الی کوهانیم، سیاست‌مدار امریکائی فعال در دولت دونالد ترامپ، نیز با انتشار ویدیوی درگیری پرویز پرستویی با سام رجبی، توثیت کرد: «جای سؤال است که چطور به این فرد اجازه ورود به ایالات متحده داده شده است؟»

این در حالی است که اعضای گروه «کد پینک» به عنوان دعوت کنندگان عوامل فلم «داستان های هزار و یک روز»، هنوز در این زمینه نظری بیان نکرده اند. حبیب احمدزاده و دخترش نیز در این باره ساکت مانده اند و به انتشار ویدیوی سه دقیقه ای توضیح پرویز پرستویی درباره حواشی اکران فلم بسنده کرده اند تا شاید پس از بازگشت از خاک امریکا سکوت خود را بشکنند.

توجه کنیم که دولت امریکا، حتی به سربازان وظیفه ای که اجبارا دوره سربازی خود را در سپاه گذرانده اند به دلیل تحریم سپاه پاسداران ویزا نمی دهد اما به پرویز پرستویی که این قدر شیفته قاسم سلیمانی بوده و هست و در مرگ او به سوگ نشسته است به راحتی ویزا داده است؟!!



ابراهیم حاتمی کیا در آغوش آیت الله خامنه ای در یکی از دیدارهای سینماگران با خامنه ای

ناگفته نماند که خامنه ای رهبر حکومت اسلامی ایران، بارها با برخی سینماگران به اصطلاح ارزشی و حکومتی دیدارهایی داشته از جمله در یکی از آخرین موارد این دیدارها، خامنه ای مهرماه سال ۱۳۹۷ در جمع تعدادی از روایان جنگ ایران و عراق به فلم «به وقت شام» ساخته ابراهیم حاتمی کیا در حضور خود او اشاره کرد و گفت: «همین فلم اخیر آقای حاتمی کیا در سوریه، در هر جایی که پخش شد، مورد استقبال قرار گرفت. چرا در اروپا پخش نشود؟ چرا در کشورهای آسیا پخش نشود؟ چرا مردم اندونزی و مالزی و پاکستان و هندوستان ندانند که چه اتفاقی در این منطقه افتاده و ما با چه کسی طرف بودیم؟»

درباره تعداد دیدارها و ملاقات خصوصی خامنه ای با هنرمندان در زمینه هنرهای تصویری بنا به ماهیت آن ها آمار دقیقی وجود ندارد، اما حتی قبل از پخش برنامه «مسئند غیررسمی» تعدادی از سینماگران به صراحت از دیدارشان با او خبر داده بودند؛ دیدارهایی که تقریباً از همان نخستین سال های آغاز رهبری خامنه ای آغاز شده و تاکنون نیز ادامه یافته است.

برای مثال خامنه ای به روحانیون مخالف فلم «مارمولک» گفته است که این فلم اشکالی ندارد. این موضوع با واکنش منوچهر محمدی، تهیه کننده این فلم، هم مواجه شد و در یادداشتی نوشت از نظر رهبر در همان زمان اکران اطلاع داشته و برایش تازگی نداشت.

محمدی که از سینماگران نزدیک به حکومت، یک دوره مدیر کل بخش نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی و از جمله حاضران در دیدارهای خامنه ای است، در یادداشت خود اشاره کرده است که چند فلم دیگرش از جمله «از کرخه تا راین»، «بازمانده»، «زیر نور ماه» و «طلا و مس» هم با نظر رهبر حکومت اسلامی اکران شدند.

گفتنی است که فلم سینمایی «مارمولک» ساخته کمال تبریزی و تهیه کنندگی منوچهر محمدی با بازی پرویز پرستویی در سال ۱۳۸۲ ساخته شد که در زمان خود با انتقادهای از سوی برخی آخوندها روبه رو شد.

دهه‌هاست که جایگاه و نقش و همچنین تاثیر سینما بر تمامی شهروندان و همه نهادهای زندگی بشر بر همه روشن است. به همین دلیل همگان می‌دانند سینما تاثیر به‌سزائی در شکل‌دهی موضوعات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی افکار عمومی دارد و برگرفته از مسائل جامعه‌شناختی و موضوعاتی است که در دل و زیر پوست جامعه نقش و تاثیر قوی دارد. سرمایه، وقت و انرژی که برای تولید فلم در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا صرف می‌شود، حاکی از آن است که نتیجه قطعی تاثیر سینما در حوزه‌های مختلف انسانی به اثبات رسیده است. با این وجود، حکومت‌های مستبد و دیکتاتوری و فاشیستی مانند حکومت اسلامی ایران از این عرصه صرفاً برای تبلیغ و ترویج ایدئولوژی و اهداف و سیاست‌های ضدانسانی خود بهره‌برداری می‌کنند.

زمانی که فاشیست‌ها در آلمان به قدرت رسیدند، چشم‌انداز کاملاً نوینی در برابر خود یافتند: سینمای آلمان در این دوره چه از لحاظ برخورداری از فناوری فلم‌سازی، چه از لحاظ هنرپیشگان و کادر هنری در نخستین رده‌های جهان قرار داشت. با این وصف، به دلایل متعددی از جمله بحران اقتصادی، سینما هم با بحران سختی روبه‌رو بود. در این دوره گوبلس که وظیفه تبلیغات را بر عهده داشت، به خوبی از قدرت پتانسیل هنر جدید آگاه بود. گوبلس الگوی سینمای خود را در سینمای شوروی و به‌ویژه در فلم‌های آیزنشتاین (رزمناو پوتمکین ۱۹۲۵) یافت و عرصه سینما را نیز به جولانگاه دولتی و اهداف فاشیستی آن تبدیل کرد.

نخستین اقدام نازی‌ها پس از برکناری و اخراج کلیه یهودیان از صنوف سینماگران و هنرپیشگان، تدوین برنامه‌ای کوتاه و درازمدت برای بهره‌برداری حداکثر از پتانسیل سیاسی هنرپیشگان بود.

دفتر سینمایی رایش چند ماه پس از به قدرت رسیدن هیتلر، در ششم ژوئن ۱۹۳۳ تحت نظارت وزارت تبلیغات، مسؤول آن شد که با دولتی کردن کل صنایع سینمایی، نفوذ سینمای خارجی را در کشور از میان ببرد. تبادل فلم با خارج قطع شد. سینمای آلمان منزوی گشت و بهترین نخبگان سینمایی را مهاجرت پیش گرفتند.

گوبلز از یک اصل اساسی تبعیت می‌کرد: به گمان او قدرت سینما در آن بود که می‌توانست پیام‌های دولت نازی را در قالب‌هایی سرگرم‌کننده، جذاب و غیر مستقیم به تماشاگران منتقل کند. به همین دلیل تعداد فلم‌های نازی که به صورتی آشکار ایدئولوژی هیتلری را بر پرده سینما آوردند، نسبتاً کم بود. اما همین فلم‌های اندک آن را چنان با نظم و شفافیت بیان می‌کنند که مطالعات گوناگون بر سینمای این دوران اغلب به گونه‌شناسی یکسانی در سینمای نازی دست یافته‌اند.

در سیستم نازی هر اندازه به مرکز اصلی دایره نزدیک‌تر شویم، صفات خودی شکل بارزتری می‌بینیم. صفات بارزی که در به نمایش گذاشتن خود به مضامین سنمای فاشیستی تبدیل می‌شدند، کمابیش همان صفاتی بودند که در نقاشی فاشیستی وجود داشتند. قهرمانی، تعلق خاطر به خاک و خون، باور به اصل پیشوائی، ایمان به جنگ و خشونت به‌مثابه راه رسیدن به آرمان‌های نژادی و دولتی.

مفهوم قهرمانی و صفات قهرمان سینمای نازی، مضمون اصلی این گروه از فلم‌های فاشیستی بود. قهرمان، عضو یک عنصر حکومتی بود که پرچم نازی را ابرافراشته است و خود را فدائی حاکمیت می‌نامد. هریک از این فلم‌ها بر یک یا چند صفت قهرمانانی تاکید می‌کردند: (برانت، عضو اس. آ ۱۹۳۳) اثر کارل فرولیش، نخست بر جوانی، زیبایی و سلامت فکری و جسمانی به‌مثابه صفت های بارز فاشیسم انگشت می‌گذارد؛ سپس بر ایمان و اعتقاد به آرمان‌های نازی که فراتر و بالاتر از تعلق خانوادگی قرار می‌گیرند: برانت در برابر پدر کمونیست خود می‌ایستد و خانه را ترک می‌کند. نهاد حزبی، جایگزین نهاد خانواده شده است و سرانجام، جوان هیتلری با ایثار و از خودگذشتگی برای آرمان‌هایش کشته می‌شود. فلم با رژه جوانان هیتلری مشعل به‌دست، آینده‌ای آرمانی را نوید می‌دهد.

فلم داستانی (من متهم می‌کنم ۱۹۴۱) اثر ولفگانگ لیبنایز، داستان دکتر جوانی را تصویر می‌کرد که پس از ابتلای همسر جوان و زیبایی به یک بیماری درمان‌ناپذیر و دردناک از سر «دل‌سوزی» او را می‌کشد و در دادگاه نیز از عمل خود دفاع می‌کند. چنین فلم‌هایی در آماده‌سازی افکار عمومی برای پذیرش برنامه آسان‌سازی مرگ بزرگ‌ترین نقش را داشتند. نتیجه آن که در مضمون قهرمانی، قهرمانان به اوج می‌رسند و زایده‌های اجتماعی سزاوار مرگ و نیستی نمایانده می‌شوند.

اصل پیشوائی، مضمون مهم دیگر سینمای فاشیست در عرضه صفات المانی بود. هیتلر در اسطوره‌شناسی فاشیستی چنان مقام والا و چهره «آسمانی» و «خداگونه‌ای» یافته بود که اکنون قاسم سلیمانی با حمایت خامنه‌ای پیدا کرده است. اگر با این دیدگاه به سرخ سینمای حکومت اسلامی ایران برویم حمایت بیش از حد آن‌ها از حکومت و از موضع‌گیری و عملکرد برخی هنرمندان سینمای ایران مانند پرویز پرستویی نباید دچار شوک و حیرت نشویم.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که پرویز پرستویی، بازیگر شناخته‌شده‌ای که اغلب با نقش‌آفرینی در آثار کارگردان‌های حکومت اسلامی ایران شناخته می‌شود، این روزها بار دیگر مقابل دوربین‌ها قرار گرفته و بر سر زبان‌ها افتاده است با ادامه یافتن انتقادات از پرویز پرستویی در فضای مجازی، همراه با حضور شماری از مخالفان حکومت اسلامی ایران در فضای نمایش فلم، نمایش خونسردی بازیگر نقش عصیانگر «حاج کاظم» در فلم «آژانس شیشه‌ای» را رنگ می‌بازد و چهره خشونت‌طلب خود را به نمایش می‌گذارد.

این موج انتقاد باعث شد که پرویز پرستویی برای توضیح این ماجرا ویدیویی در صفحه اینستاگرامش منتشر کند. او در توضیح سفر جنجالی‌اش به امریکا، سام رجبی و دیگر مخالفان حکومت اسلامی ایران در محل اکران فلم را متهم به فحاشی و هتاک‌گری کرد و در ادامه گفت: «جوابی از من می‌خواهند که نیاز به توضیح دارد و اصلاً شاید نیازی نیست به این سؤال پاسخ بدهم.»

در کنار تداوم حملات انتقادی مخالفان، طفره رفتن پرویز پرستویی از پاسخ به چگونگی ارتباطش با قاسم سلیمانی باعث شد که برخی از موافقان او در شبکه‌های مجازی نیز او را سرزنش کنند، و برخی از آنان به او انتقاد کردند که چرا واضح و روشن از «حاج قاسم» و اعتقادات و ارزش‌هایش دفاع نمی‌کند.

حبیب احمدزاده، کارگردان این فلم که خودش در امریکا حضور نداشت و دخترش زینب را به جای خود برای حضور در مراسم اکران فلم فرستاده است، از نویسندگان و فلم‌سازان حکومت اسلامی ایران است. او در اولین سالروز کشته شدن قاسم سلیمانی، با حضور در یک برنامه تلویزیونی گفت: «مکتب سلیمانی به ما می‌گوید چه کار کنیم که دل‌ها برای یک هدف صحیح و انسانی گردهم جمع شوند. قاسم سلیمانی در مملکت ما درست تعریف نشده است، او به‌عنوان یک نظامی معرفی شده. درست است که او جلو داعش و زیاده‌خواهی غرب را گرفته است، اما او پر از محبت و انسانیت بود که جاری می‌شد.»

او همچنین با مقایسه جایگاه قاسم سلیمانی و «رئیس‌علی دلواری»، گفت: «تمام تهمت‌هایی که در دوران قاجار به رئیس‌علی دلواری زدند، امروز دارند به حاج قاسم سلیمانی می‌زنند. عده‌ای به بهانه مخالفت با حکومت، آریوبرزن‌های ایران را نابود می‌کنند. قاسم سلیمانی در تاریخ می‌ماند و آیندگان قضاوت درستی از او خواهند داشت.»

پرویز پرستویی در شرایطی از پاسخ به پرسش ارتباطش با قاسم سلیمانی طفره رفت که او و حبیب احمدزاده جزو ۴۰۰ دست‌اندرکار سینمای ایرانی هستند که پانزدهم دی ۱۳۹۸، بیانیه «محکومیت ترور شهید قاسم سلیمانی» را امضا کردند.

نهایتاً در حال حاضر پرویز پرستویی را جو گرفته و تصور می‌کرد که یکی از ناقهرمان حکومتی در فلم‌هایش است و گمان می‌برد که صحنه فلم است که می‌تواند دست روی مخالفان حکومت بلند کند و صدا از کسی در نیاید.

بی‌جهت نیست که روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران از پرویز پرستویی به‌عنوان «بادیگارد با غیرت» نام برده و از پولیس «امریکای جهان‌خوار» خواسته است که با مخالفان حکومت ایران برخورد کند.

این قبیل هنرمندان یاد گرفته‌اند که نان به نرخ روز بخورند. یعنی اگر در جایی منافعشان ایجاب کند از آزادی بیان و دموکراسی، دم بزنند اما در جای دیگر که حکومت در خیابان‌های ایران ۱۵۰۰ معترض عمدتاً جوان را می‌کشد صدائی در نمی‌آورند و مطلقاً مهر سکوت بر لب می‌زنند.

اما پرویز پرستویی بدانند که دیر و یا زود این حکومت به دلایل جنایت‌انبوهش علیه بشریت رفتنی است و بدانند که بعد از سرنگونی این حکومت چه بلائی بر سر او و هنرمندان نظیر او خواهد آمد؟

پنج‌شنبه بیست و دوم اردیبهشت [ثور] ۱۴۰۱ - دوازدهم مه ۲۰۲۲